

تاریخ جادوگری در آمریکای شمالی

جادوگران آمریکا در دهه‌ی ۱۹۲۰

جادوگران آمریکا در جنگ بزرگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸ نقش خود را ایفا کردند، اما اکثریت قریب به اتفاق هم‌وطنان بی‌جادوپیشان از کمک آنان غافل بودند. از آنجا که در هر دو جبهه گروه‌های جادوگر وجود داشت، تلاش‌های آنان سرنوشت‌ساز نبود، اما در جلوگیری از بروز تلفات بیشتر و در شکست دادن دشمنان جادوگر خود، به پیروزی‌های زیادی دست یافتند.

این جهاد مشترک باعث نشد که موضع ماکوزا^۱ در خصوص روابط دوستانه میان بی‌جادوها و جادوگران تعدیل شود و قانون ریپورت^۲ همچنان به قوت خود باقی ماند. زمانی که دهه‌ی ۱۹۲۰ فرا رسید جامعه‌ی جادوگری عادت کرده بود که نسبت به هم‌تایان اروپایی خود در سطح شدیدتری از رازداری زندگی کرده و همسران‌شان را مطلقاً از صنف خود انتخاب کنند.

خاطره‌ی نقض فاجعه‌بار قانون رازداری توسط دورکوس توولوتریز^۳ وارد زبان جادویی شده بود، به طوری که «دورکوس» بودن به طور عامیانه به افراد احمق یا بی‌عرضه اطلاق می‌شد. ماکوزا به اعمال مجازات شدید علیه کسانی که قانون بین‌المللی رازداری را زیر پا می‌گذاشتند ادامه داد. ماکوزا همچنین نسبت به هم‌تایان اروپایی خود پدیده‌هایی جادویی همچون اشباح، اشباح مزاحم و موجودات شگفت‌انگیز را کمتر تحمل می‌کرد، چرا که چنین جانوران و ارواحی خطر آگاه شدن بی‌جادوها از وجود جادو را به همراه داشتند.

پس از شورش بزرگ ساسکواچ در سال ۱۸۹۲ (برای جزئیات کامل، به کتاب بسیار مشهور «آخرین مقاومت پاگنده»^۴ اثر «اورتیز اوفلاهرتی»^۵ مراجعه کنید)، محل استقرار ماکوزا برای پنجمین بار در طول تاریخ جابه‌جا و از واشنگتن به نیویورک منتقل شد و طی دهه‌ی ۱۹۲۰ همان‌جا باقی ماند. در طول این دهه رئیس ماکوزا خانم «سرافینا پیکووری»^۶، ساحره‌ی مشهور و بااستعداد متولد ساوانا^۷ بود.

^۱ کنگره‌ی جادویی ایالات متحده‌ی آمریکا

^۲ Rappaport

^۳ Dorcus Twelvetreets

^۴ Big Foot's Last Stand

^۵ Ortiz O'Flaherty

^۶ Seraphina Picquery

^۷ بندری در ایالت جرجیا، آمریکا. م.

تا دهه‌ی ۱۹۲۰ مدرسه‌ی علوم و فنون جادوگری ایلورمورنی^۸ بیش از دو قرن رشد و توسعه یافته بود و یکی از برترین مؤسسات آموزشی جادویی در سراسر جهان شناخته می‌شد. تمام ساحره‌ها و جادوگران به علت تحصیلات مشترک در استفاده از چوبدستی مهارت دارند.

بر اساس قانونی که در پایان قرن نوزدهم تصویب شد، تمام اعضای جامعه‌ی جادویی آمریکا ملزم به همراه داشتن «مجوز چوبدستی» بودند، اقدامی که به منظور زیر نظر گرفتن تمامی فعالیت‌های جادویی و شناسایی خلاف‌کاران به‌وسیله‌ی چوبدستی‌شان صورت گرفت. برخلاف بریتانیا که مغازه‌ی اولیوندرز^۹ بی‌همتا شناخته می‌شد، در قاره‌ی آمریکای شمالی چهار چوبدستی‌ساز بزرگ فعالیت داشتند.

«شیکوبا وُلَف»^{۱۰} که از نسل چاکتاو^{۱۱} بود، عمدتاً برای ساخت چوبدستی‌های ظریف‌تراش با مغز پر دم مرغ تندر^{۱۲} مشهور بود (مرغ تندر پرنده‌ی جادویی آمریکایی است که وابستگی نزدیکی به ققنوس دارد). به طور کلی اعتقاد بر این است که چوبدستی‌های ولف بسیار قدرتمند بوده، اما تصاحب و چیرگی بر آن‌ها دشوار است. این چوبدستی‌ها به خصوص موردپسند جادوگران متخصص تغییرشکل بود.

«ژوهانس جانکر»^{۱۳}، جادوگر مشنگ‌زاده‌ای که پدر بی‌جادویش کابینت‌سازی چیره‌دست بود، خود را به چوبدستی‌سازی چیره‌دست بدل ساخت. چوبدستی‌های او بسیار محبوب و فوراً قابل تشخیص بودند، چرا که معمولاً مرصع به صدف مروارید بودند. ماده‌ی جادویی مورد ترجیح جانکر پس از آزمودن مغزهای بسیار، موی گربه‌ی وامپوس^{۱۴} بوده است.

«تیاگو کینتانا»^{۱۵} با ورود چوبدستی‌های صیقلی و معمولاً درازش به بازار باعث ایجاد موجی در سراسر دنیای جادویی شد؛ چوبدستی‌هایی که هر کدام دربردارنده‌ی یک تیغ نیمه‌شفاف از پشت هیولاها‌ی رودخانه‌ی وایت^{۱۶} آرکانزاس بودند و افسون‌هایی نیرومند و زیبا ایجاد می‌کردند. هنگامی که ثابت شد فقط کینتانا راز به دام انداختن هیولاها را می‌داند، نگرانی‌ها در خصوص صید بیش از حد این موجودات فروکش کرد؛ او تا زمان مرگش هشیارانه از این راز محافظت کرد و از آن هنگام ساخت چوبدستی‌هایی با مغز تیغ هیولای رودخانه‌ی وایت متوقف شد.

«ویولتا بووه»^{۱۷}، چوبدستی‌ساز مشهور نیواورلینز^{۱۸}، سال‌های زیادی از افشای مغز سَرّی چوبدستی‌هایش که همیشه از جنس چوب درخت زالزالک باتلاقی بودند، امتناع کرد. در نهایت مشخص شد که مغز این چوبدستی‌ها از موی روگارو^{۱۹} بوده‌اند، هیولایی خطرناک با سر سگ که در باتلاق‌های لوئیزیانا پرسه می‌زد. اغلب در خصوص چوبدستی‌های بووه گفته می‌شد که چنان به سوی جادوی سیاه متمایل می‌شوند که خون‌آشام‌ها به خون متمایل‌اند، با این حال بسیاری از قهرمانان جادوگر آمریکا در دهه‌ی ۱۹۲۰ در حالی وارد نبرد شدند که تنها سلاحشان یک چوبدستی بووه بود و همچنین خود رئیس کنگره پیکووری نیز صاحب یکی از این چوبدستی‌ها بود.

⁸ Ilvermorny

⁹ Ollivanders

¹⁰ Shikoba Wolfe

^{۱۱} یکی از قوم‌های سرخپوست آمریکا. م.

¹² Thunderbird

¹³ Johannes Jonker

¹⁴ Wampus cat در باور عامیانه‌ی مردم آمریکا، موجودی شبیه شیرکوهی با شش پا است که روی چهار پای عقبی خود راه می‌رود. م.

¹⁵ Thiago Quintana

¹⁶ White River Monsters موجودی افسانه‌ای که اولین بار کنار رودخانه‌ی وایت در شمال شرقی ایالت آرکانزاس آمریکا دیده شد. م.

¹⁷ Violetta Beauvais

¹⁸ New Orleans همچنین: نیواورلئان. شهری در ایالت لوئیزیانا، آمریکا. م.

¹⁹ Rougarou

برخلاف جامعه‌ی بی‌جادوها در دهه‌ی ۱۹۲۰، ماکوزا به ساحره‌ها و جادوگران اجازه می‌داد الکل بنوشند.^{۲۰} بسیاری از منتقدان این سیاست متذکر شدند که در پی این تصمیم، ساحره‌ها و جادوگران در شهرهایی که پر از بی‌جادوهای هشیار و غیرمست بود کاملاً به چشم می‌آیند. با این حال، شنیده شد که رئیس کنگره پیکووری در یکی از لحظات نادری که سرخوش بود گفته بود جادوگر بودن در آمریکا به خودی خود سخت است. چنان‌که زیانزد است به رئیس دفترش گفت: «شراب قابل مذاکره نیست».

جی.کی.رولینگ - پاترمور
ارائه‌ای از وب سایت دمنتور
ترجمه: حسین غریبی

^{۲۰} اشاره به ممنوعیت فروش، تولید، واردات و حمل و نقل مشروبات الکلی در آمریکا طی سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۳. م.